

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی دانشگاه قم

سال ششم، شماره ۷۲، شهریور ۱۴۰۳





مشاهده نشریه
در پایگاه «مگیران»



شماره‌های
پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سردبیر: دکتر اکرم حیدری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

حمید آسایش، مرتضی حیدری، احسان اله درویشی، محسن رضایی آدریانی، محمود شکوهی تبار، زهرا طاهری خرامه، احمد مشکوری، منصوره مدنی، محمد مهری لیقوانی.

مدیر اجرایی: زهرا سادات علایی طباطبایی

تیم اجرایی: محمد سالم، سیده طاهره موسوی.

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین» ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،
آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

سخن آغازین

۳.....دعا به وقت ختم قرآن.....

۵.....پیام سلامت و دین (۸۳).....

سلامت در قرآن و روایات

۶.....تحلیل احادیث درمان با «قی» در منابع شیعی.....
احسان اله درویشی، علی بلوردی

سلامت و مراقبت معنوی

۹.....آمادگی معنوی: کلید تاب‌آوری در مواجهه با سختی‌ها.....
زهرا طاهری خرامه

فقه سلامت

۱۱.....آیا دکتر محرم است؟.....
احمد مشکوری

تحلیل اخلاق - حقوق موارذ

۱۳.....رازدار باشم یا راست گو؟.....
حمید آسایش، احمد مشکوری، محسن رضایی آدریانی

تاریخ علوم پزشکی

مجله حفظ الصحة؛ نخستین نشریه تخصصی پزشکی به زبان
فارسی.....
۱۶.....
مریم محسنی سیف‌آبادی

معرفی کتاب

۱۹.....حکمت عبادات.....

۲۰.....پیام سلامت و دین (۸۴).....

متشابهاتش و دلایل روشنش پناه برند.

خدایا، تو قرآن را بر پیامبرت محمد ﷺ مجمل و سربسته نازل کردی و دانش شگفتی هایش را به طور کامل به او الهام فرمودی و علم آن را به عنوان تفسیر به ما ارباب دادی و ما را بر کسانی که از دانش قرآن بی خبرند برتری دادی و قدرت آگاهی از حقایقش را به ما عنایت کردی تا ما را بر کسانی که طاقت درک مفاهیم آن و قیام به آیاتش را ندارند، رفعت و سروری بخشی.

خدایا، چنان که دل‌های ما را حامل واقعیت‌های آن ساختی و شرافت و فضیلتش را به ما فهمانیدی، پس بر محمد ﷺ خطیب به قرآن و بر آتش، خزانه‌داران قرآن درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که اقرار دارند قرآن از سوی توست تا شک و شبهه‌ای در مسیر تصدیق آن، متوجه دل‌های ما نشود و انحرافی، ما را از راه راستش باز ندارد.

خدایا، بر محمد و آتش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان محکم قرآن چنگ می‌زنند و از متشابهات که محل لغزش عقول است، در پناه آیات محکمش مأوی می‌گیرند و در سایه رحمتش آرامش می‌یابند و به نور صبحگاهش راه می‌یابند و به درخشندگی سپیده‌اش که موجب آشکار شدن حق است اقتدا می‌کنند و از چراغش، چراغ می‌افروزند و از غیر آن هدایت نمی‌جویند.

خدایا، همان‌گونه که محمد را به وسیله قرآن، نشانه‌ای برای هدایت به سوی خود منصوب کردی، و به سبب آل او، راه‌های خشنودی خود را آشکار ساختی، پس بر محمد و آتش درود فرست و قرآن را برای ما وسیله رسیدن به بالاترین جایگاه‌های کرامت و نردبانی قرار ده که به سوی محل سلامت بالا رویم و سببی که با آن، رهایی از عرصه قیامت را پاداش داده شویم و واسطه و شفيعی که از برکت آن، در نعمت‌های سرای اقامت وارد گردیم.

خدایا، بر محمد و آتش درود فرست و با قرآن، سنگینی گناهان را از دوش ما فرود آر، و زیبایی اخلاق نیکان را به ما عنایت فرما، و ما را پیرو آثار کسانی قرار ده که همه ساعات شب و تمام روز را با قرآن به بندگی برخاستند تا جایی که ما را به پاک‌کنندگی آن، از هر آلودگی پاک کنی، و تابع آثار کسانی قرار دهی که به نور قرآن روشنی جستند و آرزوی بی‌جا، آن‌ها را از عمل برای آخرت غافل نکرد تا با فریب و نیرنگ‌هایش آنان را به هلاکت اندازد و از به دست آوردن آخرت باز دارد.

خدایا، بر محمد و آتش درود فرست و قرآن را برای ما زمینه این منافع قرار ده: در تاریکی‌های شب‌ها، مونس؛ در برابر تحریکات شیطان برای ارتکاب گناه و

دعا به وقت ختم قرآن

خدایا، تو مرا به پایان رساندن خواندن قرآنت یاری دادی؛ قرآنی که آن را به صورت نور فرستادی، و بر هر کتابی که نازل کردی، گواه و نگهبان قرار دادی، و بر هر سخن و کلامی که بر خواننده‌ای، برتری دادی.

و جداکننده‌اش ساختی که با آن، بین حلال و حرامت جدایی انداختی، و آیات به هم پیوسته‌ای است که از برکت آن، راه‌های احکامت را آشکار کرده‌ای، و کتابی است که هر چیزی را برای بندگانت در آن روشن کرده‌ای؛ روشنی جامع و رسا، و وحی است که بر پیامبرت محمد ﷺ فرود آوردی؛ فرود آوردنی به حق.

و آن را نوری قرار دادی که در پرتو پیروی از آن، از تاریکی‌های گمراهی و نادانی، به عرصه هدایت راه یابیم، و درمان برای کسی که با رعایت سکوت، به آیاتش گوش فرا دهد، برای آنکه مفاهیم و معانی‌اش را درک کند و واقعیت‌هایش را با دل و جان راست و درست بداند، و ترازوی عدلی که زبانه‌اش از حق منحرف نمی‌شود و نور هدایتی که روشنایی برهانش از برابر بینندگان خاموش نگردد، و پرچم نجاتی که هر کس به جانب آیین استوارش قصد کند، گمراه نشود، و هر کس به دستگیره حفاظت و حمایتش درآویزد، دست‌های هلاک‌کننده به او نرسد.

خدایا، هم‌اکنون که ما را به قرائت قرآن یاری دادی و عقده‌های زبانمان را به زیبایی عبارتش آسان کردی، پس ما را از کسانی قرار ده که حق این کتاب را چنان که سزاوار آن است رعایت کنند و تو را با اعتقاد تسلیم در برابر آیات استوارش اطاعت نمایند و به پناهگاه اقرار به



خطرات و سوسه‌ها، نگهبان؛ برای گام‌های ما از حرکت به‌سوی گناهان، بازدارنده؛ برای زبان‌هایمان از فرو رفتن در گفتار باطل - نه به خاطر بیماری - لال کننده؛ برای انداممان از ارتکاب گناه، مانع شونده؛ برای طومار و اوراق عبرت که دست غفلت آن را درهم‌پیچیده، گستراننده، تا فهم شگفتی‌ها و پندهای بازدارنده‌اش را که کوه‌های استوار، با وجود استحکامشان از تحمل آن ناتوان‌اند، به دل‌های ما برسانی.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و با قرآن آراستگی ظاهر ما را تداوم بخش و خطرات و سوسه‌ها را از پنجه انداختن به سلامت درونمان باز دار و به سبب قرآن، چرک دل‌ها و وابستگی گناهانمان را از وجودمان بشوی و امور از هم‌پاشیده ما را به قرآن سامان بخش و در جایگاه ارائه اعمال به پیشگاهت، تشنگی ما را که زاییده گرمای آنجاست، به سبب قرآن فرو نشان، و در هنگام برانگیختنمان در روز وحشت بزرگ، به‌وسیله قرآن بر ما جامه امن و امان پوشان.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و خلأ و شکاف تنگدستی و نداری ما را به‌وسیله قرآن جبران فرما، و به سبب قرآن، زندگی فراخ و گسترده و فراوانی ارزاق را به‌سوی ما روان گردان و ما را در سایه قرآن، از خصلت‌های ناپسند و پستی‌های اخلاقی دور کن و به‌وسیله قرآن، از منجلاب کفر و انگیزه‌های نفاق حفظ فرما تا در روز قیامت، قرآن راهبر و راهنمای ما به‌سوی خشنودی و بهشت‌هایت باشد و در این جهان، از خشم و تجاوز از حدودت بازمان دارد، و برای ما در پیشگاهت، در حلال دانستن حلالش و حرام دانستن حرامش، شاهد و گواه باشد.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و هنگام مرگ، به سبب قرآن، سختی جان دادن، دشواری ناله کردن و به شماره افتادن نفس را، آن‌هم وقتی که جان‌ها به گلو رسند و گفته شود: چه کسی درمان کننده است؟! بر ما آسان فرما. آری؛ آسان فرما، به‌خصوص هنگامی که فرشته مرگ، برای گرفتن جان، از پرده‌های غیب آشکار شود و تیرهای وحشتناک فراق را از کمان اجل به‌سوی روح پرتاب کند و از زهر کشنده مرگ، شربتی مسموم برای جان آماده نماید، و کوچ کردن و حرکت ما از دنیا به آخرت نزدیک شود و عمل‌ها و کردارها، گردنبندهایی بر گردن گردد، و قبرها تا روز دیدار و ملاقات، آرامگاه باشد.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و ورود ما در خانه کهنگی و پوسیدگی و طول اقامتمان را بین طبقات خاک، بر ما مبارک گردان، و قبرها را پس از جدایی از دنیا، بهترین منازلمان قرار ده و تنگی لحد را به رحمتت، برای ما وسعت ده و در برابر حاضران عرصه قیامت، به

گناهان هلاک‌کننده‌ای که بر گردن ماست، رسوایمان مکن.

و به سبب قرآن، در جایگاه ارائه اعمال به تو، بر ذلت و پستی وضع ما ترحم فرما، و هنگام لرزش پل دوزخ، لغزش گام‌های ما را به‌وقت عبور از آن، به‌وسیله قرآن استوار ساز، و پیش از برپا شدن قیامت، تاریکی گورهای ما را به قرآن روشن کن و ما را در سایه قرآن، از هرگونه اندوه روز قیامت و سختی ترس‌های روز بلای بزرگ و بی‌مانند، نجات ده.

و روزی که چهره ستم‌پیشگان سیاه می‌شود - روز حسرت و پشیمانی - چهره‌های ما را سپید کن، و برای ما در دل‌های مردم مؤمن، محبت و دوستی قرار ده، و زندگی را بر ما سخت و دشوار مکن.

خدایا، بر محمد، بنده و رسولت درود فرست، در برابر اینکه پیام دینت را به مردم رساند و فرمانت را آشکار کرد و خیرخواه بندگانست بود.

خدایا، پیامبر ما را که درودت بر او و بر آلش باد، روز قیامت از مقرب‌ترین پیامبران، و از نظر شفاعت در پیشگاهت، از نیرومندترین آنان، و از نظر منزلت و مقام، از والاترین آنان، و از نظر جاه و آبرو، آبرومندترین آنان قرار ده.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و بنیانش را برتری ده و دلیل و برهانش را بزرگ و با عظمت فرما و میزانش را سنگین کن و شفاعتش را بپذیر و وسیله‌اش را نزدیک فرما و رویش را سپید کن و نورش را کامل و درجه‌اش را بلند ساز و ما را بر روش او زنده بدار و بر آیینش بمیران و ما را در راهش قرار ده و در راه او راه بر و از اهل طاعتش قرار ده و در گروه او محشور کن و به حوضش وارد فرما و از جامش سیرابمان کن.

و بر محمد و آلش درود فرست؛ درودی که با آن، او را به آنچه از خیر و احسان و کرامتت امید دارد برسانی. همانا تو صاحب رحمت گسترده و احسان گران‌قدری.

خدایا، به خاطر اینکه آیاتت را به مردم رساند و آیاتت را به‌سوی مردم برد و برای بندگان خیرخواهی کرد و در راهت به جهاد برخاست، پاداشی به او عنایت فرما، برتر از پاداشی که به هر یک از فرشتگان مقربت و انبیای مرسل و برگزیده‌ات عطا کردی. درود بر او و بر اهل بیت پاکیزه و پاکش و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.



پیام سلامت و دین (۵۳)

انسان، عقلانیتی محدود دارد.

عادت ها و ارزش های درونی شده و عوامل روانی، محیطی و اجتماعی می توانند عقلانیت انسان را تحت تأثیر قرار دهند.

بدانیم که تصمیمات عقلانی

ما خطا پذیر است.



دین و سلامت

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی
سال ششم، شماره ۷۲

۵



تحلیل احادیث درمان با «قی» در منابع شیعی

احسان‌اله درویشی^۱
علی بلوردی^۲

چکیده:

درمان با «قی» از مباحث مورد توجه طبیبان و حکیمان بوده است. این پژوهش، مسئله درمان با «قی» را در منابع حدیثی شیعی بررسی کرده است. نتایج پژوهش نشان داد که اصل درمان با «قی» در احادیث شیعی بازگو شده است، اما اصل تجویز و چگونگی درمان با «قی» را باید به کمک تحقیقات طب سنتی و پزشکی مدرن سامان داد.

واژگان کلیدی: قی؛ استفراغ؛ درمان تب؛ احادیث پزشکی؛ احادیث شیعه.

طرح مسئله

استفراغ یا دفع ماده بیماری‌زا از بدن، از روش‌های اصلی طبیعت در مبارزه با بیماری‌هاست (جلادت و همکاران. ۱۳۹۰: ۲۱۵). در مکتب طب سنتی ایران نیز این الگوی طبیعت پاک‌سازی بدن از اخلاط فاسد یا مواد زائد، مورد توجه و از روش‌های اصلی درمان بوده و با نام کلی استفراغ‌ها به آن اشاره شده است. امروزه در مطالعات بالینی، شناخت و نیز نحوه صحیح تجویز استفراغ‌هایی مانند اسهال، فصد، حجامت و «قی» به‌عنوان جزئی مهم از مبان‌ی درمان مورد توجه قرار گرفته و استفاده از روش‌های جایگزین یا طب مکمل را در بهبود بیماران ارتقا بخشیده است (یوسفی و همکاران. ۱۳۹۰: ۲۶۹).

درمان بیماری انجام می‌شود. البته انتخاب قی به‌عنوان روش درمان، مستلزم شناخت دقیق و نحوه عملکرد و عوارض احتمالی آن است (یوسفی و همکاران. ۱۳۹۰: ۲۷۵). از این‌رو، تشخیص و تعیین اصحاب قی [واجدین شرایط] بر عهده طبیب است و هر کسی نمی‌تواند خودسرانه اقدام به قی نماید (کمالی و همکاران. ۱۳۹۱: ۱۵۳). همچنین، پیش از تجویز قی لازم است تا نضج صورت بگیرد. گفتنی است مواد دفعی تا قبل از رسیدن به قوامی معتدل که قابلیت تحلیل و دفع را داشته باشند، توسط طبیعت بدن به‌عنوان ماده دفعی شناخته نمی‌شوند. واژه نضج یا پختگی، هم برای هضم غذا و هم برای آماده‌سازی ماده، به‌منظور دفع به کار می‌رود. منظور از نضج فضولات، رسیدن آن‌ها به قوامی معتدل است که باعث می‌شود فضولات در طی فرایند دفع، مقاومت و یا به قولی عصبان نکنند (جلادت و همکاران. ۱۳۹۰: ۲۱۶).

پیش‌تر، مقالاتی با موضوع «قی» از منظر طب مدرن و طب سنتی ایران نگاشته شده است، اما بر اساس جست‌وجوی انجام‌شده، مقاله‌ای با موضوع احادیث درمان با «قی» یافت نشد. از این‌رو، این نوشتار به تحلیل محتوای احادیث درمان با «قی» در منابع شیعی پرداخته است.

۱. گروه مطالعات سلامت در قرآن و حدیث، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. edarvishi@muq.ac.ir
۲. پژوهشگر طب سنتی

درمان با «قی»، با دو منظور حفظ سلامت یا

«قی» از موارد سه گانه خروج تب

ق: ۱۴۵/۲.

در کتاب خصال نیز حدیثی مشابه با حدیث بالا آمده است: «عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ الْحِجَامَةُ وَالسُّعُوطُ وَالْحُقْنَةُ وَالْقِيءُ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: درمان چهار گونه است: حجامت، سعوط، حقنه و قی» (ابن بابویه. ۱۳۶۲ ش: ۲۴۹/۱).

در این حدیث «سعوط» جایگزین «نوره» شده و ترتیب موارد نیز تغییر یافته است. کتاب طب الاثمه نیز موارد چهارگانه را به صورت ذیل گزارش کرده است:

«عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ الْحِجَامَةُ وَالطَّلْيُ وَالْقِيءُ وَالْحُقْنَةُ؛ امام صادق علیه السلام فرمود: درمان چهار گونه است: حجامت، «طَلْيُ»، قی و حقنه».

در این متن نیز موارد چهارگانه با ترتیبی متفاوت با متون پیشین بیان شده است. اگر مراد از «طَلْيُ» همان نوره باشد، تنها تفاوت در تعبیر است، اما اگر «طَلْيُ» سایر داروهای مالیدنی را نیز شامل شود، نوع درمان در این متن فراتر از «نوره» خواهد بود (ر.ک: مجلسی. ۱۴۰۳ ق: ۱۱۸/۵۹).

نکته جالب آنکه واژه «قی» در متن کتاب کافی دیده نمی‌شود: «عَنْ مُعْتَبِرِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ السُّعُوطُ وَالْحِجَامَةُ وَالنُّورَةُ وَالْحُقْنَةُ (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۱۹۲/۸).

چرایی تفاوت موارد چهارگانه جای گفت‌وگو دارد، به‌ویژه در متن‌هایی که از امام صادق علیه السلام روایت شده‌اند.

پذیرش «قی» به‌عنوان راهکار درمانی

نخستین نکته در مواجهه با احادیث درمان با «قی» این بود که اصل درمان با «قی» در احادیث کم‌شمار این موضوع پذیرفته شده است. احادیث «قی»، به‌عنوان یکی از مبطلات روزه، هرچند در موضوع این نوشتار نیستند، اما می‌توان از آن‌ها، پذیرش «قی» به‌عنوان راهکار درمانی را نیز استنباط

دعائم الاسلام است. در چاپ دعائم الاسلام عبارت چنین است: وَ الداء [الدَّوَاءُ] فِي أَرْبَعَةٍ... در این صورت عبارت به صورت (خروج بیماری [دوا] در چهار چیز است) ترجمه خواهد شد.

۴. این واژه در وسائل الشیعة (حر عاملی. ۱۴۰۹ ق: ۲۵/۲۲۶) به صورت «الطَّلَاءُ» نقل شده است. طلاء: آنچه از رقیق القوام بر عضو مانند (حکیم مؤمن. ۱۳۹۰ ق: ۵۳/۱).

در کتاب کافی آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحُمَّى تَخْرُجُ فِي ثَلَاثٍ فِي الْعَرَقِ وَ الْبُطْنِ وَ الْقِيءِ؛ محمد بن خالد در حدیث مرفوعی از امام صادق علیه السلام نقل میکند که فرمود: تب با سه چیز از بدن بیرون می‌رود: با عرق^۱ و از راه شکم و قی» (کلینی. ۱۴۰۷ ق: ۲۷۳/۸). همین محتوا با تفاوت متنی و به نقل از امام باقر علیه السلام در طب الاثمه بازتاب یافته است (ر.ک: ابنا بسطام. ۱۴۱۱ ق: ۵۰).

ممکن است حدیث بالا مربوط به حالت طبیعی بدن دانسته شود؛ یعنی اینکه تب در واکنش طبیعی بدن از سه راه بیرون می‌رود، نه اینکه فردی خودخواسته و عمدی این سه کار را انجام دهد. بنابراین، «قی» در حدیث به‌عنوان راهکار درمانی بیان نشده است. در واقع، حرف جرّ «فی» در اینجا به معنای اصلی خود، یعنی ظرفیت به‌کاررفته و تعبیر خروج تب در سه چیز به معنای دفع تب یا دفع عامل تولید آن از سه راه عرق، اسهال و «قی» است.

در پاسخ می‌توان سخن پیشین را یادآوری کرد؛ از روش‌های اصلی طبیعت در مبارزه با بیماری‌ها، استفراغ یا دفع ماده بیماری‌زا از بدن است و در این حدیث نیز حتی اگر واکنش طبیعی بدن در برابر تب بیان شده باشد، می‌توان با زمینه‌سازی لازم، به بدن در پاک‌سازی کمک کرد. در نتیجه «قی» راهکاری درمانی برای خروج تب خواهد بود. فهم شارحان حدیث نیز از حدیث یادشده با راهکار درمانی همسو و همراه است (ر.ک: مجلسی. ۱۴۰۴ ق: ۲۶/۲۷۹؛ مازندرانی. ۱۳۸۲ ق: ۱۲/۳۶۸). همچنین، می‌توان حرف جرّ «فی» را به معنای سببیت دانست (ر.ک: شفتی بیدآبادی. ۱۴۱۷ ق: ۶۰۸).

«قی» از موارد چهارگانه درمانی

«قی» در حدیثی دیگر، دارو و درمان دانسته شده است: «وَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: الدَّوَاءُ فِي أَرْبَعَةٍ الْحِجَامَةُ وَالْحُقْنَةُ وَ النَّوْرَةُ وَ الْقِيءُ؛ از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: دارو و درمان در چهار چیز است: حجامت، حقنه،^۲ نوره و قی»^۳ (ابن حیون. ۱۳۸۵

۱. برخی واژه را با ضبط العرق و به صورت رگ یا رگ زدن معنا کرده‌اند (ر.ک: مازندرانی. ۱۳۸۲ ق: ۱۲/۳۶۸؛ مجلسی. ۱۴۰۴ ق: ۲۶/۲۷۹).

۲. حقنه، ارسال مایعات به معاء مستقیم و رحم است (حکیم مؤمن. ۱۳۹۰ ق: ۲۸۴/۲).

۳. عبارت متن، موافق با بحارالانوار و مستدرک الوسائل به نقل از

آمادگی معنوی: کلید تاب‌آوری در مواجهه با سختی‌ها

زهرا طاهری خرامه^۱

دستیابی ایمان و عمل صالح می‌انجامد. معنویت الهی معنویتی جامع و کامل است که در همه عرصه‌های زندگی از کمال و کارآمدی خاصی برخوردار بوده، زندگی انسان را هدف‌دار و جهت‌مند می‌کند و به‌سوی حیات طیبه سوق و سیر می‌دهد تا انسان به مقام قرب الهی و خداگونگی دست یابد. آمادگی معنوی عامل مهم و زیرساختی حیات و پیشرفت سالم و سازنده در همه ابعاد و ساحت‌هاست. زندگی منهای معنویت تهی از آرامش پایدار است؛ اگرچه ممکن است از آسایش نسبی یا بالاتر نیز برخوردار باشد و چون آسایش منهای آرامش است، نمی‌تواند خلأ وجودی و درونی انسان را پوشش دهد و حتی ممکن است جهت زندگی را به‌سوی مادیت محض تغییر داده، انسان را در سرراشویی سقوط قرار دهد. در نتیجه، آسایش منهای معنویت نیز سرچشمه آفات و خطرات فراوانی خواهد بود (motahari.ir).

مفهوم آمادگی معنوی

آمادگی معنوی به توانایی فرد در استفاده از منابع معنوی برای مقابله با استرس‌ها و مشکلات زندگی اشاره دارد. این منابع می‌توانند شامل اعتقادات دینی، خودمراقبتی معنوی، دعا، ارتباط با خداوند و یا هر نوع فعالیت‌هایی باشند که به فرد کمک می‌کنند تا معنا و هدفی در زندگی پیدا کند و معمولاً با احساس رضایت، آرامش درونی و توانایی درک معانی عمیق‌تر زندگی همراه است. آمادگی معنوی شامل حال همه افراد می‌شود و برای همه افراد بدون توجه به پیشینه، فلسفه یا دینشان اهمیت دارد. این آمادگی هم برای افراد مذهبی و هم غیرمذهبی و مفاهیم مرتبط با آن‌ها قابل اعمال است. افراد با تمرین باورها، اصول، اخلاقیات و ارزش‌های برآمده از دین، فلسفه و ارزش‌های انسانی، معنا پیدا می‌کنند. این عناصر که ماهیت یک فرد را تعریف می‌کنند، به او کمک می‌کنند تا به تجربیات زندگی معنا دهد، اخلاقی رفتار کند، از چالش‌ها عبور کند و در مواجهه با سختی‌ها مقاوم باشد (www.patri-oth2f.com/spiritual/what-is-spiritual-readiness).

عوامل مؤثر بر آمادگی معنوی

اعتقادات دینی و معنوی: از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آمادگی معنوی، داشتن اعتقادات دینی و معنوی قوی است. افراد دارای اعتقادات قوی، معمولاً در مواجهه با مشکلات زندگی، از این منابع برای یافتن راه‌حل‌ها و آرامش استفاده

چکیده

آمادگی معنوی (Spiritual Readiness) به توانایی فرد در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌های زندگی از طریق منابع و آموزه‌های معنوی اشاره دارد. این مفهوم در بسیاری از فرهنگ‌ها و مذاهب جهان اهمیتی ویژه دارد و به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تاب‌آوری و سلامت روانی فرد برشمرده می‌شود. در این مقاله مروری، به بررسی مفهوم آمادگی معنوی، عوامل مؤثر بر آن و نقش آن در سلامت می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: آمادگی معنوی؛ سلامت معنوی؛ تاب‌آوری.

مقدمه

معنویت مفهومی گسترده است که نقشی مهم در زندگی انسان ایفا می‌کند. این مفهوم به تلاش برای شناخت بهتر روح و روان، درک زندگی و هستی، و ارتباط با خداوند، خود، خلق و خلقت اشاره دارد. در اسلام، معنویت به‌عنوان مفهومی کل‌گرا، تمام ابعاد زندگی فرد را در برمی‌گیرد. معنویت اسلامی، انسان را شایسته و سزاوار رسیدن به قرب الهی می‌داند. از همین روی، راه به‌سوی خدا برای او بسیار نزدیک است و پیمودن آن برای کسی که اراده سیر الی‌الله دارد بسیار سهل است. ظرفیت نامتناهی انسان، در صورتی که در راستای معرفت و عبودیت حق جریان یابد، شکوفا می‌شود و به

۱. مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. Ztaheri@muq.ac.ir

می‌کنند.

حمایت اجتماعی: داشتن شبکه‌ای از افراد هم‌فکر و حمایتی، می‌تواند به تقویت آمادگی معنوی فرد کمک کند. این شبکه می‌تواند شامل خانواده، دوستان، گروه‌های مذهبی و یا جامعه‌های معنوی باشد.

تجربیات شخصی: تجربیات زندگی، به ویژه تجربیات سخت و چالش‌برانگیز، می‌توانند به تقویت آمادگی معنوی فرد کمک کنند. این تجربیات می‌توانند به فرد در درک بهتر معنای زندگی و افزایش تاب‌آوری کمک کنند.

آموزش و تمرین: یادگیری و تمرین تکنیک‌های معنوی، مانند خودمراقبتی معنوی، دعا و مطالعه متون دینی می‌توانند به تقویت آمادگی معنوی فرد کمک کنند (Koenig, 2022).

تأثیر آمادگی معنوی بر سلامت

محققان مشاهده کرده‌اند که داشتن باورهای معنوی قوی، به‌طور مثبت بر زندگی فرد تأثیر می‌گذارد، به‌ویژه زمانی که صحبت از سلامت روان و تاب‌آوری به میان می‌آید. محققان این رابطه را به مزایای داشتن اطمینان در باوری نسبت داده‌اند که به ثبات عاطفی و زندگی بهتر می‌انجامد. آمادگی معنوی، توانایی تحمل و غلبه بر زمان‌های استرس و سختی از طریق پیدا کردن معنا در تجربیات زندگی است و می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر زندگی فرد داشته باشد (Willison et al., 2024). برخی از این تأثیرها عبارت‌اند از:

✓ افزایش تاب‌آوری: افراد با آمادگی معنوی بالا معمولاً در مواجهه با مشکلات و بحران‌های زندگی تاب‌آوری بیشتری دارند. این افراد قادرند با استفاده از منابع معنوی خود، به‌طور مؤثرتری با استرس‌ها و فشارهای روانی مقابله کنند.

✓ سلامت روانی بهتر: آمادگی معنوی می‌تواند به بهبود سلامت روانی فرد کمک کند. افرادی که به معنویت توجه می‌کنند، معمولاً دارای احساسات مثبت‌تر و سطح استرس و اضطراب کمتر هستند.

✓ احساس رضایت و معنا در زندگی: آمادگی

معنوی به فرد کمک می‌کند تا معنا و هدفی در زندگی پیدا کند. این احساس معنا و هدف می‌تواند به افزایش رضایت و خوشبختی فرد کمک کند.

✓ ارتباط بهتر با دیگران: افراد با آمادگی معنوی بالا معمولاً روابط بین فردی بهتری دارند. این افراد به دلیل داشتن نگرش مثبت و آرامش درونی، قادرند روابط عمیق‌تر و معنادارتری با دیگران برقرار کنند.

نتیجه‌گیری:

آمادگی معنوی از عوامل کلیدی در افزایش تاب‌آوری و سلامت روانی فرد است. این آمادگی می‌تواند از طریق اعتقادات دینی و معنوی، حمایت اجتماعی، تجربیات شخصی و آموزش و تمرین تقویت شود. افراد با آمادگی معنوی بالا معمولاً در مواجهه با چالش‌های زندگی موفق‌تر عمل می‌کنند و دارای سلامت روانی و احساس رضایت بیشتری هستند. از این‌رو، توجه به تقویت آمادگی معنوی می‌تواند نقشی مهم در بهبود کیفیت زندگی فرد داشته باشد.

منابع:

- معنویت در گفت‌وگو با شهید مطهری و ارتباط آن با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت - پورتال جامع استاد شهید مطهری (motahari.ir)

- <https://www.patrioth2f.com/spiritual/what-is-spiritual-readiness>

- Koenig, H. G. (2022). "spiritual readiness" in the u.S. Military: A neglected component of warrior readiness. *Journal of Religion and Health*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1007/s10943-022-01563-z>

- Willison, M. L., Fraley, A. L., Oglesby, L. W., Wright, C. J., & Winkelmann, Z. K. (2024). Spiritual Fitness, Spiritual Readiness, and Depressive Symptoms in Reserve Officers' Training Corps Cadets. *Journal of Athletic Training*, 59(4), 419-427.

آیا دگتر محرم است؟

احمد مشکوری^۱

- «محارم نسبی» افرادی هستند که از راه «نَسَب» به انسان محرم هستند و عبارت‌اند از: ۱. پدر و مادر. ۲. پدربزرگ (پدر پدر و پدر مادر) و مادر بزرگ (مادر مادر و مادر پدر) هر چه بالا روند. ۳. فرزندان خود فرد و فرزندان آنان هر چه پایین روند؛ مانند نوه، نیره و نتیجه (دقت فرمایید فرزندخوانده و ... محرم نیست). ۴. خواهر و برادر (چه اینکه پدر و مادر مشترک داشته باشند، چه تنها از طریق پدر یا تنها از طریق مادر، خواهر و برادر باشند) و فرزندان آنان هر چه پایین روند؛ مانند خواهرزاده و برادرزاده. ۵. عمو و عمه، هر چه بالا روند؛ مانند عمو و عمه پدر و مادر. ۶. دایی و خاله هر چه بالا روند؛ مانند دایی و خاله پدر و مادر (فرزندان دایی و خاله و عمو و عمه محرم انسان نیستند).

- «محارم سببی» کسانی هستند که با ازدواج، چه ازدواج دائم و چه موقت، با زوج (مرد - شوهر) یا زوجه (زن - خانم) محرم می‌شوند که خود دو دسته هستند: گروهی که با زوج محرم می‌شوند و گروهی که با زوجه محرم می‌گردند.

مرد (زوج) از میان خویشاوندان همسرش، با این افراد محرم می‌شود: ۱. مادرزن، چه مادر نسبی باشد چه رضاعی. ۲. مادر بزرگ زن (مادر پدرزن و مادر مادرزن) هر چه بالا رود، چه نسبی باشند چه رضاعی.

زن (زوجه) از میان خویشاوندان همسرش، با این افراد محرم می‌شود: ۱. پدرشوهر، چه نسبی باشد چه رضاعی. ۲. پدر بزرگ شوهر (پدر پدرشوهر و پدر مادر شوهر) هر چه بالا رود، چه نسبی باشند یا رضاعی.

در تمام موارد گفته شده، فقط و فقط با اجرای صیغه عقد ازدواج، محرمیت حاصل می‌شود.

(مواردی، همچون فرزندان حاصل از ازدواج قبلی همسر نیز طبق شرایطی محرم به شمار می‌روند که برای جلوگیری از اطلاع مطالب از ذکر آنها خودداری می‌شود.)

- «محارم رضاعی» افرادی هستند که از طریق شیر خوردن در زمان شیرخوارگی، طبق شرایطی که به صورت مفصل در رساله‌های عملیه آمده است به یکدیگر محرم می‌شوند که برای رعایت اختصار به ذکر همین مقدار

چکیده:

حجاب، از دستورات قطعی و مسلم شرع و ضروری دین است. از سویی، بانوان مسلمان موظف‌اند موه‌های سر خود و تمام بدن، جز گردی صورت و انگشتان تا میچ دست را از دید نامحرم بپوشانند و از سوی دیگر، جمله‌ای بین عموم مردم رایج و شایع است که می‌گویند: «پزشک محرم است». این نوشتار به بررسی صحت و سقم این جمله می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: پزشک؛ محرم؛ حجاب.

«محرم» در اصطلاح دینی از ریشه «حرام» و «حرمت» گرفته شده و به معنای کسی است که به دلیل خویشاوندی و ارتباط خانوادگی، ازدواج با او حرام است. در مقابل، به دلیل همان خویشاوندی و طبیعتاً ارتباط خانوادگی و رفت‌وآمد، تسهیلاتی در محدوده پوشش و روابط فی‌مابین در نظر گرفته شده است.

محرم بودن از سه راه ممکن است: نسبی، سببی و رضاعی.

۱. گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. a.mashkoori@gmail.com



رازدار باشم یا راست گو؟

حمید آسایش^۱
احمد مشکوری^۱
محسن رضایی آدریانی^۱

بحث مورد

دو بار داروهای خوراکی خود را مصرف کند. کودک مشکل آموزشی خاصی ندارد، ولی مدیر مدرسه به این موضوع حساس شده است و از والدین می‌خواهد که مشکل کودک را شرح دهند. والدین کودک تمایلی به ذکر جزئیات ندارند و فقط می‌گویند: «کودک مشکل خاصی ندارد و فقط باید برای مدتی دارو مصرف کند». مدیر قانع نمی‌شود و از آن‌ها می‌خواهد که یک گواهی از پزشک معالج در خصوص بیماری کودک بیاورند؛ چون موضوع وضعیت سلامتی دانش آموزان برای مدرسه مهم است. والدین به پزشک معالج مراجعه کرده، این موضوع را مطرح می‌کنند و می‌گویند که دوست ندارند کسی بداند فرزندشان مبتلا به صرع است. پزشک معالج به این فکر می‌کند که در برگه گواهی چه اطلاعاتی را بنویسد که هم خلاف واقع نباشد و هم اسرار بیمارش حفظ شود.

■ در موارد متعددی، صدور گواهی پزشکی در خصوص وضعیت سلامت یا بیماری افراد مراجعه‌کننده به پزشک ضرورت پیدا می‌کند تا افراد بتوانند بر اساس قانون، از برخی تکالیف خود، به دلیل مشکلات و ناتوانی‌های ناشی از بیماری معاف شوند و یا شرایطی ویژه برای مراقبت از سلامت آن‌ها در نظر گرفته شود (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۵۳-۲۶۸).

■ گاه ممکن است افرادی برای فرار از تکالیف یا وظایف قانونی، به روش‌های مختلفی از گواهی‌های پزشکی یا گزارش‌های خلاف واقع استفاده نمایند تا به اهداف خود برسند. این موضوع در سراسر جهان، جرم تلقی می‌شود. در ایران نیز این جرم از جمله جرائم کیفری ذیل جرائم جعل و تزویر (فصل پنجم، ماده ۵۳۹) آمده و در صورت تحقق شرایط آن، مجازات‌های بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۵۳-۲۶۸).

■ در فصل پنجم قانون تعزیرات حکومتی با عنوان «جعل و تزویر»، در ماده ۵۳۹ چنین آمده است: «هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال

چکیده:

در موارد متعددی، صدور گواهی و گزارش‌های پزشکی در خصوص وضعیت سلامت یا مشکلات ناشی از بیماری افراد، ضرورت می‌یابد و ممکن است در این جریان، اطلاعات مهم و محرمانه افراد به شخص ثالث گزارش شود و بنابراین تعهد رازداری در حرفه پزشکی نقض شود. از آنجایی که رازداری از ارکان اساسی ارتباط پزشک و بیمار است، درک نادرست از آن می‌تواند آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر برای بیمار و جایگاه حرفه در جامعه به دنبال داشته باشد؛ بنابراین باید همه جوانب قانونی و اخلاقی در ارائه گزارش‌ها و گواهی‌های فراوان پزشکی به‌دقت مورد توجه گیرد.

واژگان کلیدی: گواهی پزشکی؛ رازداری؛ افشای اسرار.

معرفی مورد

بیمار، دخترخانم ده‌ساله، با تشخیص صرع لوب گیجگاهی است که در دبستانی درس می‌خواند که در چند ماه از شروع سال تحصیلی، دچار حمله‌های خفیف صرع، به‌صورت خیره شدن به یک نقطه در کلاس شده است. او باید در طول مدت حضور در مدرسه

۱. گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران. hasayesh@gmail.com

تمام آزمایش‌های تشخیص طبی به رضایت آگاهانه نیاز دارد

یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد، و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گردد، علاوه بر استرداد و ضبط آن، به‌عنوان جریمه به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرندگان محکوم می‌گردد).

■ از ارکان اساسی ارتباط پزشک و بیمار، رازداری است که درک نادرست از آن می‌تواند آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر برای بیمار و جایگاه حرفه در جامعه به دنبال داشته باشد (لاریجانی و همکاران. ۱۳۹۵: ۲۹۳-۳۰۱).

■ رازداری پزشکی و حریم خصوصی بیماران از مهم‌ترین وظایف اخلاقی در حیطه پزشکی در راستای احترام به استقلال بیمار است و سابقه‌ای طولانی در دنیای پزشکی دارد. در منشور حقوق بیمار و کدهای اخلاقی پزشکی هم بر رعایت این دو قاعده منتج از اصول اخلاق پزشکی، تأکید فراوان شده و حتی در برخی از کشورها در این‌باره قوانینی نیز وضع شده است (عباسی. ۱۳۹۷: ۲۵۳-۲۶۸؛ لاریجانی و همکاران. ۱۳۹۵: ۲۹۳-۳۰۱).

■ مطابق محور چهارم منشور حقوق بیمار ایران مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، برای «احترام به حریم خصوصی بیمار (حق خلوت) و رعایت اصل رازداری» بیمار حق دارد برای حفظ حریم شخصی خود، از محرمانه ماندن محتوای پرونده پزشکی، نتایج معاینات و مشاوره‌های بالینی، جز در مواردی که بر اساس وظایف قانونی از گروه معالج درخواست می‌شود، اطمینان حاصل نماید (پارساپور و دیگران. ۱۳۸۸: ۳۹-۴۳).

■ در «راهنمای عمومی اخلاق حرفه‌ای شاغلان حرف پزشکی و وابسته سازمان نظام پزشکی جمهوری

اسلامی ایران» نیز بر موضوع «رازداری و حریم خصوصی بیمار» تأکید شده است. در مواد ۷۶ تا ۷۹ راهنمای اخلاقی سازمان نظام پزشکی تأکید شده است که محرمانه بودن همه اطلاعات بیماران، اعم از اطلاعات حساس و غیر حساس که به هر شکل، در مراحل مختلف تشخیصی و درمانی جمع‌آوری می‌شود و یا به هر ترتیب در اختیار تیم درمانی قرار می‌گیرد، از حقوق اولیه و اساسی بیماران است و تنها آن دسته از شاغلان حرف پزشکی و وابسته که عضو تیم درمانی بیمار هستند، اجازه دسترسی به اطلاعات مرتبط با تشخیص و درمان هر فرد را دارند و دیگر افراد، صرفاً به دلیل پزشک بودن یا عضویت در زمره حرفه‌مندان پزشکی، برای دسترسی به اطلاعات بیماران مجاز شمرده نمی‌شوند (<http://irimc.org/FileMan->) (ager/Documents/Ethicsbooklet.pdf).

■ بر اساس ماده ۷۸ راهنمای عمومی اخلاق حرفه‌ای، مجاز بودن «نقض اصل رازداری» از سوی شاغلان پزشکی و وابسته، تنها به مواردی محدود است که در قانون به‌صراحت ذکر شده باشد. در چنین مواردی، پیش از جمع‌آوری اطلاعات مربوط به آن، بیمار تا حد ممکن باید از الزام قانونی مذکور آگاه گردد و سپس از وی کسب اطلاعات شود. در ضمن، الزام شاغلان حرف پزشکی و وابسته به ارائه اطلاعات بیماران به مراجع قضایی و انتظامی، تنها منوط به استعلام رسمی دادگاه است (<http://irimc.org/File->) (Manager/Documents/Ethicsbooklet.pdf).

■ اهمیت موضوع رازداری تا آنجاست که ارائه هر نوع اطلاعات به رسانه‌ها از سوی شاغلان حرف پزشکی، تنها در صورتی موجه است که به‌هیچ‌وجه نقض حریم خصوصی بیماران نباشد و به فاش شدن اطلاعات پرونده سلامت آنان نینجامد (<http://irimc.org/FileManager/Documents/Ethicsbooklet.pdf>).

■ ممکن است لازم باشد که پزشکان اطلاعات بیماری و درمانی دانش‌آموزان را به مدارس ارائه دهند تا مدارس بتوانند در صورت لزوم، برای نیازهای خاص آن دانش‌آموزان برنامه‌ریزی نمایند. در چنین مواردی،

افشای اطلاعات دقیق تشخیص بیماری نیاز نیست؛ زیرا برای گروه‌های غیر پزشکی، اطلاع از نوع تشخیص ضرورتی ندارد و فقط لازم است غیبت کودک از مدرسه توجیه شود و یا در موارد نیاز به درمان طولانی‌مدت، شرایط و اطلاعات لازم برای دریافت درمان و مراقبت‌های ضروری در طول مدت حضور در مدرسه فراهم شود (لو، ۱۳۹۹).

■ کارکنان مدرسه نیز باید ضروریات حفظ سلامت کودک را در بالاترین حد محرمانگی فراهم کنند. همان‌گونه که در متن ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، در کنار پرسنل درمانی، کلیه کسانی را که به‌واسطه شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، در برابر افشای اسرار مسئول می‌داند، بنابراین همه افرادی که مشمول این موضوع می‌شوند باید در حفظ اسرار مردم بکوشند (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۵۳-۲۶۸).

■ در خصوص گزارش فوق می‌توان گفت چند وظیفه عمل به تعهد حفظ اسرار بیمار، عمل به بهترین منفعت بیمار و محافظت از جایگاه حرفه پزشکی در تعارض با همدیگر قرار دارند؛ هرچند که این‌گونه تعارض‌ها در مقایسه با دوره‌های پیچیده و چندبعدی در حرفه پزشکی، موضوعی بغرنج به شمار نمی‌آید، ولی با توجه به نکات یادشده در بندهای پیشین، در بسیاری از موارد نیاز به ذکر تشخیص پزشکی نیست و می‌توان در گواهی‌ای با ذکر کلیات بیشتر، به تحت درمان بودن و مراقبت‌های مورد نیاز اشاره کرد. البته اولیای مدرسه نیز که ممکن است به‌واسطه حرفه خود از اسرار دانش آموزان و خانواده آن‌ها مطلع شوند، باید در حفظ اسرار مراقبت نمایند.

در پایان باید یادآور شد که در فرم‌های ارزیابی سلامت دانش آموزان که معمولاً پزشکان و کارکنان

مراکز بهداشت تکمیل می‌کنند، اطلاعات حساس و غیر حساس بسیاری درج می‌شود که ممکن است در مدارس به‌راحتی در دسترس افراد مختلف قرار گیرد؛ لذا درباره شیوه تکمیل و ارائه چنین گزارش‌هایی نیز باید تمهیداتی برای پیشگیری از افشای اسرار افراد صورت گیرد.

منابع:

- عباسی، محمود (۱۳۹۷). حقوق و جزای پزشکی. تهران: انتشارات حقوقی. ص ۲۵۳-۲۶۸.

- لاریجانی و همکاران (۱۳۹۵). پزشکی و ملاحظات اخلاقی. تهران: نشر برای فردا. جلد اول. ص ۲۹۳-۳۰۱.

- پارساپور، علیرضا؛ باقری، علیرضا؛ اردشیر لاریجانی، محمدباقر (۱۳۸۸). «منشور حقوق بیمار در ایران». ویژه‌نامه مجله اخلاق و تاریخ پزشکی. زمستان. ص ۳۹-۴۳.

- راهنمای عمومی اخلاق حرفه‌ای شاغلین حرفه پزشکی و وابسته‌ی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران. <http://irimc.org/FileManager/Documents/Ethicsbooklet.pdf> (accessed on: 2024)

- لو، برنارد (۱۳۹۹). راهنمای بالینی حل مسائل اخلاق پزشکی. ویرایش ششم ۲۰۲۰. ترجمه: الهی، آیدا؛ اصغری، فریبا. تهران: انتشارات تیمورزاده.

رازداری از ارکان اساسی ارتباط پزشک و بیمار است که درک نادرست از آن می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای بیمار و جایگاه حرفه در جامعه به دنبال داشته باشد



مجله حفظ الصحه؛ نخستین نشریه تخصصی پزشکی به زبان فارسی

مریم محسنی سیف‌آبادی^۱

چکیده:

نخستین نشریه تخصصی پزشکی به زبان فارسی، با نام «حفظ الصحه» در فروردین سال ۱۲۸۵ یعنی هفتاد سال بعد از انتشار اولین روزنامه ایران (کاغذ اخبار) در تهران منتشر شد. صاحب‌امتیاز این مجله، علی اصغر نفیسی، ملقب به مؤدب‌الدوله بود. او بعد از فارغ‌التحصیلی از دارالفنون، تحصیلات پزشکی خود را در فرانسه تکمیل و بعد از بازگشت به ایران مجله حفظ الصحه را منتشر کرد. این مجله با تئری ساده، می‌کوشید افزون بر پزشکان، برای مردم نیز قابل فهم و استفاده باشد تا گامی در راستای ارتقای سطح سلامت جامعه بردارد. مطالب این مجله اطلاعاتی در زمینه پیشگیری، درمان و همچنین تاریخ پزشکی بود. انتشار ماهنامه حفظ الصحه بعد از نه شماره، به دلیل عدم اقبال عمومی و مشکلات مالی متوقف شد.

واژگان کلیدی: مجله حفظ الصحه؛ مؤدب‌الدوله؛ علی اصغر نفیسی.

میرزا محمد صالح شیرازی، از اولین محصلان اعزامی به اروپا بود. وی در سال ۱۱۹۷ ش / ۱۲۳۴ ق با یک دستگاه چاپ به ایران بازگشت و هجده سال بعد از بازگشت به وطن، اولین روزنامه ایران را با نام «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۱۵ ش مقارن با سلطنت محمدشاه قاجار منتشر کرد (رائین. ۱۳۴۷: ۱۹). به قول مجتبی مینوی، محصلان این کاروان‌های اولیه برای اولین بار «تخم ترقی و تجدد را در زمین نیکان خود پراکندند» (مینوی. ۱۳۳۲: ۱۸۱) و به این ترتیب، آغازگر دوره گذار از سنت به مدرنیته در تمام حوزه‌ها از جمله پزشکی شدند.

دارالفنون در ششم دی‌ماه ۱۲۶۷ ش با گروهی از اساتید ایرانی و اروپایی و سی شاگرد، به‌طور رسمی کار خود را شروع کرد و آموزش طب مدرن، به‌طور رسمی در ایران آغاز شد (مکی. ۱۳۷۳: ۱-۴). اولین مجله تخصصی پزشکی به زبان فارسی با عنوان «حفظ الصحه»، هفتاد

۱. گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران. mohsenim@razi.tums.ac.ir

اولین مجله تخصصی پزشکی به زبان فارسی با عنوان «حفظ الصحه» هفتاد سال بعد از انتشار اولین روزنامه و هجده سال پس از تأسیس دارالفنون در فروردین ۱۲۸۵ در تهران منتشر شد.

سال بعد از انتشار اولین روزنامه و هجده سال پس از تأسیس دارالفنون در فروردین ۱۲۸۵ ش (زمان سلطنت مظفردین شاه قاجار) به صاحب امتیازی علی اصغر نفیسی، ملقب به مؤدب الدوله و مدیریت آقا میرزا اسدالله طبسی، ملقب به جلیل الاطبا در تهران منتشر شد. صفحات این مجله در قطع خشتی کوچک (۲۱ سانتی متر) بود و تعداد صفحات آن در شماره‌های مختلف، بین ۲۷ تا ۳۴ صفحه متغیر بودند. این نشریه به خط نستعلیق بود و طبق مندرجات صفحه پایانی مجله، خطاطی آن را مرتضی نجم‌آبادی و چاپ سنگی آن را استاد آقا میرزا علی اصغر و دستیارش آقا میرزا حسین انجام می‌دادند. محل توزیع این ماهنامه، کوچه ناظم الاطبا در خیابان چراغ‌گاز، یعنی خانه پدری و محل تولد مؤدب الدوله بود. قیمت اشتراک سالیانه این مجله که شامل ده شماره در سال می‌شد، در تهران پانزده قران، در ولایات شانزده قران، در روسیه چهار منات، در فرنگ ده فرانک و در هندوستان سه روپیه بود (نفیسی. ۱۳۸۵: ۹-۱).

مؤدب الدوله (۱۲۵۱-۱۳۲۸ ش) پسر ناظم الاطبا، از اولین فارغ‌التحصیلان دارالفنون بود که برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه رفت. او پس از بازگشت به ایران افزون بر تأسیس اولین مجله تخصصی پزشکی فارسی، مناصب متعددی را عهده‌دار شد؛ از جمله استادی طب در دارالفنون، عضویت انجمن بلدیة شهر و اولین وزیر وزارت صحیه ایران (روستایی. ۱۳۸۲: ۲).

۴۶۶-۴۶۷ و ۵۵۶-۵۵۸).

مؤدب الدوله در اولین شماره، هدف از انتشار این نشریه را چنین آورده است: «از آنجایی که در این عصر کلیه اطلاعات مردم تربیت شده از کتب و جراید است، به حمدالله تعالی در زیر سایه امام عصر مطبوعه‌های متعددی در پایتخت و سایر ولایات ما تأسیس شده است و بدین واسطه، هر روز کتاب و روزنامه جدیدی به طبع می‌رسد و اسباب دانش و بینش ابنای وطن می‌گردد. این بنده شرمنده که سال‌های دراز به رنج سفرهای علمی در فرنگ و زحمت مسافرت‌های ولایات ایران گرفتار و مبتلا بودم، اینک چندی سر آن دارم که از مولد عزیز هجرت نکنم و به قدر قوه با وجود کمی علم و اطلاع در انتشار مطالب علمی، خاصه معلومات طبی که ارث نیاکان این بنده است، بکوشم. این است که به فکر ایجاد روزنامه علمی و طبی افتاده، این مجله را به طبع می‌رسانم و از دانشمندان محترم تمنا دارم هرگاه مطلب علمی مفیدی داشته باشند، اظهار فرمایند تا در اینجا مندرج شده، عموم طالبان علم و هنر در این گرمی وطن از آن منتفع گردند». مؤدب الدوله در پی آگاهی دادن به مردم درباره پزشکی سنتی و مدرن بود؛ چراکه معتقد بود مردم با یادگیری راه‌های پیشگیری که کم‌هزینه است، می‌توانند از ابتلا به بیماری‌ها جلوگیری کنند. او پیشگیری از بیماری‌ها، به خصوص برای قشر متوسط و کم‌درآمد جامعه را که با ابتلا به بیماری بر فقر و بیچارگی شان افزوده می‌شد، بسیار با اهمیت می‌دانست (نفیسی. ۱۳۸۵: ۱/۲۰). مؤدب الدوله در شماره نُه، از خوانندگان تقاضا می‌کند مقاله «حفظ الصحه عامه» آن شماره را برای اهل خانه خود بخوانند و یا اگر اهل خانه سواد دارند در اختیارشان بگذارند تا خود مطالعه کنند (همان. ۲۴/۹). از این رو، سعی می‌شد مقالات این مجله با تشریح ساده نوشته شود که برای عموم مردم قابل فهم باشد.

به‌طور کلی، مقالات این نشریه را از نظر محتوا می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: پیشگیری

به‌طورکلی، مقالات این نشریه را از نظر محتوا می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: پیشگیری (حفظ‌الصحه)، درمان و تاریخ پزشکی

صحبیه و امور خیریه، طب، دواسازی، دواسازی عصر حاضر، صحت‌نمای ایران و درمان، و نامه پزشکی ایران (سلطانی، ۱۳۵۶) شد.

منابع:

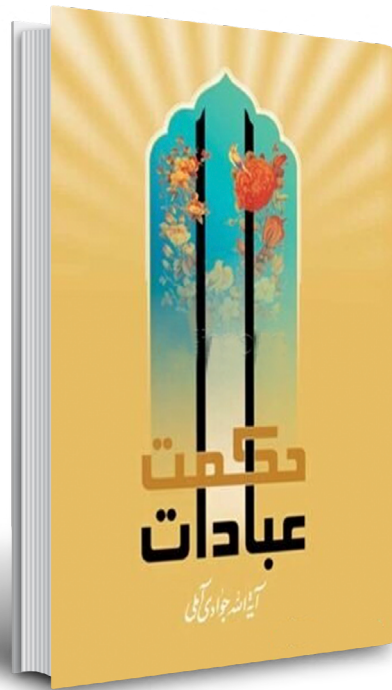
- راین، اسماعیل (۱۳۴۷ ش). سفرنامه میرزا صالح شیرازی. تهران: انتشارات روزن.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲). تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت اسناد. تهران: سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سلطانی، مرتضی (۱۳۵۶). فهرست مجله‌های فارسی از ابتدا تا سال ۱۳۲۰ شمسی. تهران: دانشگاه تهران.
- مکی، حسین (۱۳۷۳). زندگانی میرزا تقی خان امیرکبیر. تهران: ایران.
- نادری، نگار (۱۳۹۳). مدخل حفظ‌الصحه مجله. دانشنامه جهان

(حفظ‌الصحه)، درمان و تاریخ پزشکی. در زمینه پیشگیری، مسائل مربوط به تغذیه (همان، ۲۳/۳-۳۰) و بهداشت دهان و دندان (۹/۲۴-۳۰)، به‌ویژه در کودکان و همچنین روش‌های ضد عفونی کردن آب (همان، ۱۹-۲۰) و ... را بررسی کرده است. در زمینه درمان، به بیماری‌های رایج آن زمان، مانند اسهال (همان، ۱۶-۱۲/۱)، اورام رحم (همان، ۱۲-۷/۲)، بزرگی طحال و بواسیر (همان، ۱۶-۱۷) و کم‌خونی (همان، ۱۷-۲۴) پرداخته است. بالاخره در زمینه تاریخ پزشکی، داستان زندگی طبایب بزرگ یونانی، مانند سقراط (همان، ۱/۲۴)، بقراط (۲/۲۸)، افلاطون (همان، ۳/۳۰)، ارسطو (همان، ۴/۲۳) و جالینوس (همان، ۶/۲۴) را آورده است. افزون بر این سه حیطه، مؤدب‌الدوله می‌کوشید با نگارش مقالات، مردم را از افرادی که با خرافات و پیشگویی مدعی درمان مردم هستند برحذر دارد (همان، ۷ و ۸/۵۴-۵۶) و آن‌ها را به گسترش فضای سبز در شهرها ترغیب کند (همان، ۶-۷/۹).

مؤدب‌الدوله که عهده‌دار مخارج انتشار مجله بود، به دلیل عدم اقبال عمومی و همچنین نامساعدتی همکاران متحمل ضرر مالی شد و به‌ناچار پس از سه شماره، مجله را تعطیل کرد. دوره کامل این مجله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه مرکزی فارس و دوره ناقصی از آن در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود (نادری، ۱۳۹۳: ۱۳).

انتشار این مجله سرآغاز انتشار مجلات تخصصی پزشکی فراوانی، از جمله طبابت، صحت، طب‌مصور،

حکمت عبادات



کتاب «حکمت عبادات»، تألیف آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، در سال ۱۳۷۸ از سوی انتشارات اسراء در ۳۹۰ صفحه به چاپ رسید.

عبادات در نگاه اول، به اعمالی گفته می‌شود که غالباً جنبه تشریعی دارند و باید با قصد تقرب به درگاه باری تعالی انجام شوند، اما این اعمال افزون بر جنبه ظاهری، ابعاد باطنی نیز دارند؛ ولی کشف جنبه‌های باطنی اعمال و احکام تشریعی، نیازمند غور در معارف و حیاتی و عقلانی فراوانی است که تنها از عهده عالمان و عارفان حقیقی برمی‌آید.

حکمت داشتن اعمال عبادی که از سوی شارع مقدس تشریح شده‌اند، امری غیرقابل انکار است؛ زیرا بر اساس حکمت خدای سبحان، هیچ کار بیهوده‌ای از او صادر نمی‌شود. به عبارت دیگر، او حکیم است و هر حکیمی برای کارهایی که انجام می‌دهد، هدف و مقصودی خاص دارد. بنابراین، کارهای خداوند متعال نیز همگی هدفمند هستند.

از سویی، هدف از خلقت انس و جن در نظام تشریح، تکامل عبادی آن‌هاست. این تکامل عبادی زمانی به اوج خود می‌رسد که انس و جن عبادات خود را عالمانه و از روی اختیار انجام دهند. انجام عبادات به صورت عالمانه نیز مستلزم علم به اهداف و اغراض آن‌هاست. براین اساس، ضرورت علم به اهداف و حکمت عبادات برای سالکان کوی حقیقت، اجتناب‌ناپذیر است.

این کتاب، کوشیده است این موضوعات را به روشی شایسته مطرح نماید و دارای ده بخش است که هر یک از آن‌ها به نوعی خاص از عبادت پرداخته، اسرار و حکم آن را بیان می‌کند:

در بخش یکم، از عبادات و حکمت آن سخن می‌گوید و در بخش دوم، به نیت و راز و رمز آن می‌پردازد. در بخش سوم، از حکمت طهارت سخن گفته و بخش چهارم را به بحث درباره باطن نماز و اسرار و حکمت‌های نهفته در آن اختصاص داده است. در بخش پنجم، پرده از برخی اسرار روزه برداشته، در بخش ششم از عبادت اعتکاف رازگشایی می‌کند. در بخش هفتم از حکمت تلاوت و رمز قرائت قرآن دم می‌زند و در بخش هشتم به راز و ادب و حکمت دعا می‌پردازد. در بخش نهم از روح عبادات، یعنی تولی و تبری سخن می‌گوید و در بخش پایانی کتاب، ذکر و حکمت و محور و اقسام آن را بررسی می‌کند.

در پایان، گفتنی است که از مجموعه عبادات، بحث مربوط به حج در کتابی جداگانه به نام صهبای حج و بحث مبسوط مربوط به نماز در کتاب اسرار الصلاة بررسی شده است.



پیام سلامت و دین (۵۴)

برای التیام بخشیدن به گذشته و امنیت
دادن به آینده، به یاد داشته باشیم:

در گذشته، خدا با من بود.

هم‌اکنون، خدا با من است.

در آینده نیز خدا با من خواهد بود.